

## در بیمارستان

ساعت هشت صبح، همه سر میز صبحانه نشسته بودند. سعید تاکنون بیدار نشده بود. مادر وی نوید را فرستاد تا برادرش را بیدار کند. بعد از چند دقیقه، سعید وارد اتاق غذا خوری شد. خیلی خسته و گوفته به نظرمی رسید.

سعید: "صبح شما بخیر، مادر جان!"

خانم حمید: "سلامت باشید! جانم امروز چرا به دیر بیدار شدید؟"

سعید: "حالم خوب نیست. دیشب اصلاً خوابم نبرد."

خانم حمید: (به همسرش) "آقا! بهتر است او را فوری به بیمارستان ببرید."

آقای حمید: "چشم‌ایک کمی صبحانه میل بفرمایید، بعد می‌رویم." نیم ساعت دیگر، سعید

و پدرش، به بیمارستان، پیش دکتر رسیدند.

دکتر: "بفرمایید آقا، چه ناراحتی دارید؟"

سعید: "آقای دکتر! دیشب سرفه داشتم. تب شدید هم بود. سروگلو و سینه‌ام نیز دردمی

کند."

دکتر: "لطفاً گت خودتان را در بیاورید و روی تخت‌خواب دراز بکشید!"

سعید: "خیلی خوب، قربان."

دکتر: (در حال معاینه سینه) "ناراحتی قلب که نداشتید؟"

سعید: "تخیر آقا!"

دکتر: (پس از امتحان فشار خون) "اصلاً نگران نباشید. شما فقط سرما خوردگی دارید و همه

نشانه‌های تان در نتیجه آن است. همین الان یک آمپولی به شما می‌زنم. (آمپول می‌زند، نُسَخه‌ای

می‌نویسد و می‌گوید) این نُسَخه را بگیرید. داروها را از داروخانه بیمارستان بخرید."

آقا حمید: "خیلی ممنون آقای دکتر، خدا حافظ شما!"

دکتر: "به سلامت، آقای سعید! ان شاء الله به زودی بهبود می‌یابید. اصلاً نگران نباشید! خدا

نگهدار شما!"

(دکتر غلام معین الدین نظامی)

## فرہنگ

ہسپتال:-	:	بیمارستان
ناشتہ-	:	صُبحانہ
آب تک	:	تا کنون
ڈائننگ روم، کھانے کا کمرہ-	:	أتاقِ غذا خوری
تھکا ہارا-	:	خستہ و گوفتہ
دکھائی دے رہا تھا-	:	بہ نظرمی رسید
(دی + شب) گزشتہ رات-	:	دیشب
بالکل، مکمل طور پر-	:	اصلاً
مجھے نیند نہیں آئی-	:	خوابم نہرود
تھوڑا سا، کچھ	:	یک کمی
ناشتہ کر لیجیے-	:	صُبحانہ میل بفر مایید
تکلیف، بیماری	:	ناراحتی
کھانسی-	:	سُرفہ
کوٹ (مُفَرَس لفظ ہے)	:	گُت
(در آوردن: اتارنا) ← فعل امر (اتاریے-	:	در بیاورید
دل کی تکلیف-	:	ناراحتی قلب
خون کا دباؤ، بلڈ پریشر-	:	فشارِ خون
نزله و زکام	:	سرما خوردگی
ابھی، اسی وقت	:	ہیمن الان
انجکشن-	:	آمپول
انجکشن دینا، لگانا-	:	آمپول زدن
دوائیں-	:	داروہا
میڈیکل سٹور-	:	داروخانہ
جلد ہی-	:	بہ زودی
بہتری، آفاقہ، آرام	:	بہبود
محافظ، حفاظت کرنے والا-	:	نگہدار

## تمرین

- ۱۔ چرا سعید بہ دیر بیدار شد؟
- ۲۔ سعید بہ مادرش چہ گفت؟
- ۳۔ بہ نظرِ دُکتر، وی چہ مَرَضی داشت؟
- ۴۔ آیا دُکتر بہ وی آمپول زدہ بود؟
- ۵۔ آنہا داروہارا از کجا خریدند؟
- ۶۔ مندرجہ ذیل الفاظ پر اعراب لگائیے۔  
دقیقہ۔ سرفہ۔ قلب۔ تختخواب۔ بہبود۔
- ۷۔ سبق میں استعمال ہونے والے افعال امر الگ لکھیے۔
- ۸۔ مندرجہ ذیل جملوں کا فارسی ترجمہ کیجیے:  
۱۔ وہ ابھی نہیں جاگے ہیں۔  
۲۔ کیا آپ بیمار ہیں؟  
۳۔ نہیں ہم ہسپتال نہیں جائیں گے۔  
۴۔ ڈاکٹر صاحب، ازراہ کرم میرا بلڈ پریشر چیک کر لیجیے  
۵۔ پریشان نہ ہوں۔ آپ ٹھیک ہو جائیں گے۔

☆☆☆